

معرفی یک سند تاریخی: (دیدگاه صاحب «عروة الوثقی» راجع به متمم قانون اساسی مشروطه)

عطا احمدی

با متن مصوب، در موارد عدیده متفاوت می باشد و اصول ۱، ۲، ۱۴، ۲۳ و ۶۸ در این پیش نویس دیده نمی شود. در دو مورد نیز تقدم و تأخر در ذکر اصول قانون، در مقایسه دو متن، به شرح زیر ملاحظه می گردد:

۱- اصول ۴، ۵، ۶ و ۷ متن مصوب - که راجع به پایتختی تهران، پرچم سه رنگ ایران، حقوق کلی اتباع خارجی و تثبیت اساس مشروطیت است - در انتهای متن پیش نویس آمده است.

۲- اصول مربوط به تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی (۵) - که در متن مصوب قبل از اصول مربوط به امور مالی و مالیات (۶) آمده - در متن پیش نویس، بعد از آن ذکر شده است.

صاحب عروه - که در عصر خود، ملجأ و مرجع شیعیان عرب و عجم و حتی مورد احترام خاص اعظام اهل سنت بوده - در هر جای از عبارات متن پیش نویس، نسبت به اصلاح و یا تکمیل آن نظری داشته، آن را متذکر شده است.

از جمله نکات در خور توجه، این است که با وجود آنکه ایشان اساساً از مدافعان "مشروطه مشروعه" بوده و نسبت بدانچه عملاً به وقوع پیوست، دید خوشبینانه ای نداشته، با این حال تبعیت از قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس شورای را هر چند به نحو مشروط، پذیرفته است که بدان بعداً اشاره خواهد شد.

اما آنچه در اینجا درنگ و تأمل بیش تری می طلبد، این نکته است که تدوین کنندگان پیش نویس متمم قانون اساسی، با علم به نظرات کلی ایشان نسبت به مشروطه و نیز با وجودی که آن بزرگوار در خارج از ایران (سرزمین عراق و حوزه علمیه نجف اشرف) می زیسته، چگونه در نهایت، رأی و نظر وی را پاس داشته اند؛ به طوری که بعداً عبارات اصلاحی ایشان را در مواردی عیناً و در مواردی با اندک تغییر، در متن نهایی متمم قانون اساسی ایران گنجانده اند!

در زیر نمونه هایی از آن را بر می شماریم:

۱- در خصوص تحصیل علوم و معارف برای آحاد مردم، در پیش نویس چنین آمده است:

"تحصیل علوم و معارف، آزاد است." که صاحب عروه، آن را بدین

اکنون که در یکصدمین سالگرد انقلاب مشروطه ایران قرار گرفته ایم، بسیار بجاست که به مدد اسناد برجای مانده، ناگفته ها و نانوخته های مرتبط با این فراز حساس تاریخ معاصر کشورمان را به عرصه نگارش آریم. بسیاری از نکات و حقایق بازگو نشده این برهه از تاریخ ایران، زمینه ساز قضاوت های نابجا در خصوص ریز و درشت وقایع قبل و بعد مشروطه و نیز شخصیت های مطرح در این دوران شده است.

از جمله رجال ناموری که در مقطع مشروطیت می زیسته و آوازه نام و نفوذ معنویش، آفاق ایران و عراق را در نور دیده و به سراسر جهان اسلام بسط یافته است و در عین حال، تاریخ نگاران مشروطه از او کم تر یاد کرده اند و یادآور آن نیز در داوری خود، برخی، راه خطا پیموده و بعضاً جنای عظیم در حق وی روا داشته اند، مرجع بزرگ شیعه آیت الله العظمی آقا سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (۱۳۳۷-۱۲۴۷ق.) - اعلی الله مقامه - (۱) است که اثر گرانسنگ عروه الوثقی او در فقه، از فردای انتشار آن تاکنون، همچنان در حوزه های علمیه از جایگاه و اعتبار ویژه برخوردار می باشد و بسیاری از فقها و مراجع تقلید بر آن حاشیه یا شرح نگاشته اند.

از جمله مجموعه های ارزشمندی که خوشبختانه در سالهای اخیر در اختیار معاونت اسناد ملی سازمان قرار گرفت، مجموعه ای است از اسناد متعلق به آن بزرگوار که توسط یکی از منسوبان ایشان (۲) به گنجینه اسناد ملی منتقل شده است. در لابلای اسناد این مجموعه، به حقایقی می توان دست یافت که بازخوانی و موشکافی محتوای آنها بر مستند نویسان تاریخ معاصر ایران بخصوص نگارندگان و تحلیلگران تاریخ مبارزات روحانیت و بویژه مرجعیت شیعه در سده اخیر، بی تردید فرض و لازم است.

یکی از اسنادی که در میان مجموعه یاد شده به لحاظ محتوا از اهمیت فوق العاده برخوردار است، پیش نویس متمم قانون اساسی مشروطه ایران (۳) و یا به تعبیر آن روزها، متمم «نظامنامه اساسی» است که آیت الله آقا سید محمد کاظم یزدی، دیدگاههای اصلاحی و تکمیلی خود را نسبت به مواد تنظیمی آن، در حاشیه و یا ذیل سطور متن پیش نویس مرقوم نموده است. البته آنچه در این پیش نویس آمده است با آنچه در متن مصوب مجلس شورای ملی ملاحظه می شود (۴)، یکسان نیست. قالب عبارات پیش نویس

گونه اصلاح نموده است:
 "تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع، آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد."
 عین این عبارت اصلاحی ایشان، در اصل هیجدهم متمم قانون اساسی، بدون کم و کاست آمده است.

۲- در مورد اصل آزادی مطبوعات، در پیش نویس می خوانیم که:
 "مطبوعات بکلی آزاد و متمیزی در روزنامجات و مطبوعات، ممنوع است؛ ولی در این مطبوعات اگر چیزی مضر به دین مبین و مشتمل تعرض شخصی و تهمت و توهین یا حاوی هزلیات باشد، به موجب قانون، نشردهنده و نویسنده مجازات می شوند ..."

علامه صاحب عروه، عبارات این اصل را - هر چند در آن به منع نشر کتب ضلال اشاره دارد - در قالب عبارت زیر اصلاح نموده است:
 "عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین و مشتمله بر تهمت و هتک و توهین، آزاد است و ..."
 که در اصل بیستم متمم قانون اساسی، آغاز عبارت اصلاحی ایشان (قریب به عین آن) به شرح زیر آمده است:
 "عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد و متمیزی در آنها ممنوع است ..."

۳- موضوع اصل بیست و یکم در پیش نویس این گونه ذکر شده است:
 "انجمنها و اجتماعات، به طور مسالمت در تمام مملکت آزاد است ..."

عبارت اصلاحی مرجع بزرگ شیعه در این خصوص بدین قرار است:
 "انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنه نباشند، دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشند، در تمام مملکت آزاد است ..."
 آنچه بعداً در متن مصوب اصل بیست و یکم آمده، چنین است:
 "انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشند، در تمام مملکت آزاد است ..."
 ملاحظه می شود که شکل عبارت و واژه های به کار رفته در اصلاحیه ایشان، در متن نهایی کاملاً مورد توجه واقع گردیده است.

۴- اصل بیست و هفتم که راجع به قوای سه گانه می باشد، عبارت متن پیش نویس آن در خصوص قوه مقننه به شرح زیر تنظیم شده است:
 "قوه مقننه که ناشی می شود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و ..."

آیت الله آقا سید کاظم یزدی، عبارت فوق را به شرح زیر اصلاح نموده است:
 "قوه مقننه که مخصوص است به وضع و تهذیب قوانین عرفیه و این قوه ناشی می شود از ..."
 که عبارت "مخصوص است به وضع و تهذیب قوانین"، عیناً در متن نهایی قید گردیده است.



آیت الله العظمی آقا سید محمدکاظم طباطبایی یزدی

۵- در همان اصل یاد شده، عبارت متن پیش نویس راجع به قوه قضائیه چنین آمده است:

"قوه قضائیه که اعمال آن مخصوص است به محاکم و دیوانخانه ها."

مرجع بزرگ شیعه، اصلاحیه خود را در این خصوص بدین گونه آورده است:

"قوه قضا و حکم که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه، مخصوص است به محاکم شرع در شرعیات و به محاکم عرف در عرفیات."

در عبارت متن نهایی، اصلاحیه ایشان که در واقع بیانگر هدف اصلی تشکیل این قوه و تفکیک وظایف محاکم شرعیه و عدلیه است، به قرار زیر منظور شده است:

"قوه قضائیه و حکمیه که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است به محاکم شرعیه در شرعیات و به محاکم عدلیه در عرفیات."

۶- صاحب عروه، در خصوص مرجع رسیدگی به دعاوی و مراعات،

تأکید بر این دارد که:

فصل خصوصیات و مراعات در اموال و حقوق و اعراض و نفوس و اشیاء آنها، مختص به محاکم شرعی مجتهدین عظام است و "مشاجرات در حقوق سیاسی - که عبارت است از وظایف دیوانی و امور مالیات و گمرک و مأموریت و امثال اینها - مستقلاً راجع به محکمه عدلیه است، مگر در موقعی که قانون استثنا می نماید."

این نظر ایشان نیز در اصول هفتاد و یکم و هفتاد و دوم متمم قانون اساسی، به نحو بارزی تأمین گردیده است.

گذشته از اصلاحات و حواشی ایشان بر پیش نویس یاد شده، در یکی دیگر از اسناد این مجموعه - که ظاهر دستخط یکی از اصحاب ایشان می باشد - ضمن طرح سؤال و جوابی راجع به حکم شرعی مصوبات مجلس شورا و مواد قانون اساسی، فتوای معظم له ذکر شده است که چنانکه در بالا اشاره شد، از اهمیت دو چندان برخوردار است و نافی نظراتی است که برخی از مورخان و پژوهشگران تاریخ مشروطیت، نسبت به مذاق فکری و فقهی ایشان و دیگر فقهای نامی مدافع تر "مشروطه مشروعه" اظهار داشته اند.

صورت استفتا قریب بدین مضمون است که:

عمده آنچه در قانون اساسی آمده، الزام به انجام یا ترک امری از امور را شامل می شود که این الزامات منسوب به شرع نیست و از سوی، پیشاپیش، تأکید شاه (۷) را نسبت به عدم مغایرت قوانین مجلس با احکام شرع به همراه دارد؛ با این توضیح چه حکم شرعی بر آن مترتب است؟

پاسخ ایشان به این سؤال مورد ابتلای عامه مردم، این است که:

مادامی که مفاد و الزامات قانون "متعلق به فعل حرام یا ترک واجب نباشد"، تبعیت از آن جایز است و حتی در جهت "صلاح نوع و حفظ حقوق ملت" مجازات متخلفین از آن نیز، مجاز می باشد. (۸)

آنچه در این مختصر بدان اشارت رفت - چنانکه در عنوان این نوشتار آمد - صرفاً به قصد معرفی یک سند تاریخی بود و نه تهیه و تنظیم یک مقاله تحقیقی متعارف. با این امید که در فرصت مقتضی - ان شاء الله - با نگاهی عمیق تر به اسناد مجموعه نفیس یاد شده، اندکی از حق و دین عظیمی را که امثال این بزرگان عرصه علم و فضیلت بر ما دارند و غالباً از آن غافلیم یاد ر بیج و خرم تحلیلهای بظاهر صحیح و علمی، جامه انکار بر آن می پوشانیم، ادا کرده باشیم.

پی نوشتها:

۱- برای آگاهی از شرح زندگانی و آثار و شخصیت وی، نگاه کنید به: الذریعه الی تصانیف الشیعه: شیخ آقا بزرگ تهرانی (۲۵۲، ۱۰۸۳ و ۲۵۲/۸۵) اعیان الشیعه: سید محسن امین عاملی (۲۳۸۰) ریحانة الادب: میرزا محمد علی مدرس تبریزی (۳۹۳۶-۳۹۹۱) علمای معاصرین: حاج میرزا علی واعظ خیابانی (۱۱۴-۱۱۳) فوائد الرضویه: حاج شیخ عباس قمی (۵۹۷۲-۵۹۶) مکارم الآثار: میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی (۱۳۲۶-۱۳۳۱) مولفین کتب چلبی: خانیابا امشار (۳۰/۱۵-۲۶) اختران نابناک: حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (۳۸۸) نهضت روحانیون ایران: علی دوانی، ج ۲، صص ۱۷۴-۱۶۹ و گلشن ایوان: جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم (۴۵۰/۸-۴۴۵)

۲- جناب آقای سید جعفر طباطبائی یزدی.

۳- متن قانون اساسی مشروطه، توسط نمایندگان مجلس شورای ملی در دوره اول قانونگذاری تهیه و تدوین گردید که مشتمل بر ۵۱ اصل بود و در تاریخ ۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۴، ۸۱ دیماه ۱۲۸۵ش. به صحنه و امضای مظفر الدین شاه قاجار رسید؛ لیکن نظر به تقایص فراوانی که در آن ملاحظه می شد، هیئتی از بین نمایندگان مجلس، در آغاز سلطنت محمد علی شاه قاجار مأمور تهیه و تدوین متمم آن شدند که پس از گذشت قریب ۷ ماه، اصول متمم قانون اساسی را در ۱۰۷ ماده تهیه و با اصرار نمایندگان، سرانجام در تاریخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ق. ۱۵ مهر ماه ۱۲۸۶ش. به امضای محمد علی شاه رساندند. اعضای هیئت منتخب تدوین متمم قانون اساسی، عبارت بودند از: میرزا جواد خان سعدالدوله، میرزا حسن خان مشار الملک، میرزا صادق خان مشارالدوله، حاج سید نصر الله سادات اخوی، حاج امین الضرب و سید حسین تقی زاده.

۴- برای آگاهی از متن قانون اساسی مشروطه و متمم آن، نگاه کنید به: دایرة المعارف فارسی: غلامحسین مصاحب (۲۰۳۲-۱۹۹۵) و مجموعه قوانین (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی)، صص ۳۲-۳.

۵- اصول ۹۳-۹۰.

۶- اصول ۱۰۳-۹۴.

۷- مقصود، مظفر الدین شاه قاجار است که در هر دو دستخط اول و دوم فرمان مشروطیت، موافقت مصوبات مجلس را با قوانین شرع، مورد تأکید قرار داده بود.

۸- این عبارات، گزیده متن فتوای ایشان می باشد.

مصلحت قانون مجسم عموم و صحت مقررات
مصلحت است از آن جهت که در صورت لزوم
در این خصوص مقررات باید رعایت شوند
در این خصوص مقررات باید رعایت شوند

کسانی که مستحق عدم رعایت ماده فیه این رایج است
مخبرات را نیز از آن است

اتباع جاریه بنوانسته قبضه این را از آنجا
در مقام آنها از جهت عدم فایز است
فرض با همین دلیل در آن در تقصیرات را بعد از آن
فیه که در حق و در آن رعایت قوانین مستور و در آنجا

فواد ملکات از آن جهت است
اسامی معین بنابر فواد ملکات را مستحق
آنکه فواد ملکات را از آن جهت است
و ملکات را بر آن است و حق آن قانون را دارد و آنرا

قوانین را بعد از فواد ملکات از آن جهت است
و فواد ملکات را از آن جهت است
و فواد ملکات را از آن جهت است
و فواد ملکات را از آن جهت است

قوانین را بعد از فواد ملکات از آن جهت است
و فواد ملکات را از آن جهت است
و فواد ملکات را از آن جهت است
و فواد ملکات را از آن جهت است

در جمیع اعضا مجلس

و کلد و مجلس شورای عالی و مجلس سنا از طرف نامت و کانت و از طرف

از طرف طبقات مهم یا ادارت دیوکاران را انتخاب نمایند

بکنند بتوانند در آن واحد عضویت هر دو مجلس را داشته

چنانچه یکی از دو کار در ادارت و از طرف طبقات مهم را از طرف

مجلس تخصصی و عضویت مجلس سنا را از طرف طبقات مهم را از طرف

مجلس سنا را از طرف طبقات مهم را از طرف طبقات مهم را از طرف

مجلس سنا را از طرف طبقات مهم را از طرف طبقات مهم را از طرف

مجلس سنا را از طرف طبقات مهم را از طرف طبقات مهم را از طرف

در جمیع اسلطن ایران

سلطنه مشروطه ایران در تمام امور است و تمام اسلطنه مشروطه ایران

فاجعه ای که در تمام اسلطنه مشروطه ایران در تمام اسلطنه مشروطه ایران

و ولایت همه با وجود ذکر ما در آن که از طرف ادارتی و کیم

الطریق بر وجهی که در تمام اسلطنه مشروطه ایران در تمام اسلطنه مشروطه ایران

در روق رعایت داشته و همه در تمام اسلطنه مشروطه ایران در تمام اسلطنه مشروطه ایران

کیم او همه در تمام اسلطنه مشروطه ایران در تمام اسلطنه مشروطه ایران

نمودار را و مجلس سنا را از طرف طبقات مهم را از طرف طبقات مهم را از طرف

در هر دو مجلس سنا را از طرف طبقات مهم را از طرف طبقات مهم را از طرف

مجلس شورای عالی و مجلس سنا را از طرف طبقات مهم را از طرف طبقات مهم را از طرف

هیچ سلطانی بر تخت سلطنت نمی تواند جلوس کند مگر با کفایت و اعتماد

باید در مجلس سنا را از طرف طبقات مهم را از طرف طبقات مهم را از طرف

بقرار و در تمام اسلطنه مشروطه ایران در تمام اسلطنه مشروطه ایران

من بطلبم هم عیب و با یکی از طرفین منحصرا بر وجهی که در تمام اسلطنه مشروطه ایران

است و استقلال است و قانون اساسی مشروطیت ایران را از تمام اسلطنه

و تأیید کلیه ارباب اصیانت نام

در تمام اسلطنه مشروطه ایران در تمام اسلطنه مشروطه ایران

در تمام اسلطنه مشروطه ایران در تمام اسلطنه مشروطه ایران

و انعقاد مجلسین زیاده از روز بعد از فوت پادشاه و تمام اسلطنه مشروطه ایران

ببینند

از مجلس حضار است و باید هرگز در وقت نامردی که اول بانهاست
 حدود و ضوابطی که در آن مشروط فرمایند
 و زرا و عده و در آنکه مسئول شده قفسه اداره حقوق مستند به بیعت
 اتقاق نیز در مقام مجلسین مسئول و قاضی اعمال بگویند
 عده و زرا و وقت نیز مستقیم در لایحه قضایه با حضور پسر
 شورای عالی مشروطیت که در زرا و عده است
 منصب وزارت اختیار یک طرف است
 عفا و عجز است و احکامات خاصه که با پیشه در استیجاب فرار داده
 سلب کرامت از حدشان نباشد مجلس شورای عالی و نمایندگان
 و زرا و در وقت مواخذه و محاکمه درگذرد
 مسئولیت و زرا و اسباب آنکه چهارم با تمامیه قانون
 همین خواهد بود

در هر مرتبه وقت ملاقات مجلس شورای عالی در وقت غدا
 ملاقات خواهد بود و زرا و نمایندگان در مجلس است و آن در زیر استقام
 از مقام وزارت منزل میگذرد

ملاحظه بوزراء

مجلس شورای عالی در هر مرتبه در وقت غدا در مجلس شورای عالی خواهد بود
 که در دو یا گاه نیز در وقت ملاقات در حضور اعضا کمال است و در هر مرتبه
 حکمت خواهد بود که در وقت ملاقات در تمام و تمام و عوارض
 ادارات در هر مرتبه مجلس در هر خارج و داخل بر عوارض باشد
 که در مجلس مشغول اوله آن در زیر داشته باشد که مجلس است
 آن در زیر باشد
 تقسیم کارها را باید که در هر مرتبه در تمام است
 از اعضا مجلسین عده و تمام در تمام مجلس است
 تعیین نمایند و در تمام وارد و زرا و در وقت که در تمام است
 مجلس شورای عالی شود و در تمام است تقسیم کارها را در تمام

مستوفی بقانون مخصوص خواهد بود

مستوفی بقانون مخصوص خواهد بود
 فصل اول از احکامات
 مستوفی بقانون مخصوص خواهد بود
 مستوفی بقانون مخصوص خواهد بود
 مستوفی بقانون مخصوص خواهد بود
 مستوفی بقانون مخصوص خواهد بود
 مستوفی بقانون مخصوص خواهد بود

در جمیع امور دولت فوق العاده در کلیه محضرات و مقامات
میلتوانند تشکیل دادند و در صورت لزوم

در تمام مملکت فقط یک دیوانخانه قمری در خواهر آن هم در شهر
پایتخت و این دیوانخانه قمری در جمیع ولایات استوار و سید را میکند هر
در مراجعات و مدارات بکلیه مراجع بود و با شد آنوقت از این
مجلس رسیدگی میکند

افعال و مقامات معنی است هر آنکه معنی بودن آن خاصیت
باشد در این صورت لزوم اشخاص را ملحق اعلام مینماید

در ماده تقصیرات سیاسی و مطبوعات چنانچه عمر بماند بودن مقامات
صلح باشد باید با اتفاق اراجم اعضاء مقامات

بهم حکم بدون جهت تقصیر و احکام باید هنگام قرائت
در صورت جنایات و تقصیرات سیاسی و مطبوعات است

(مضمین) در حکم قمری خواهد بود
رؤساء و اعضاء محاکم نیز می که قانون مدلیه معین میکند

مجلس و بر حسب فرمان کاروانه منصوب میشوند

بهم حکم محکم از این مجلس تعیین از شدت موقوفه با داران
بدون حکم و ثبوت تقصیر تعیین داد که اینکه قوش

استغفار استغفار نماید
تبدیل امور است محکم محکم تعیین کرد رضای خود او

تعیین شخص مدعی محرم بر حمله با دولت است

فصل در خصوصت و در مقامات و در امور و تقصیرات و در مقامات
مستندات و در امور سایر در قریب از تقصیرات و در مقامات
که قانون است و در امور و در تقصیرات و در مقامات
تعیین و در امور و در تقصیرات و در مقامات
فصل در خصوصت و در مقامات و در امور و تقصیرات و در مقامات
مستندات و در امور سایر در قریب از تقصیرات و در مقامات
که قانون است و در امور و در تقصیرات و در مقامات
تعیین و در امور و در تقصیرات و در مقامات

مقرر اعضا محاکم بموجب قانون همین خواهد شد
 و در صورتیکه محاکم نیز مانند قبال خدمات و تعهدات و ترانها نمایند که
 آن خدمت را چنانچه بر عهده گیرند و مخالفت قانون نمیشد
 و در هر کسی ابائی یک ملک استیفات مقرر خواهد شد بر ترقی
 که در قوانین مدنی مصحح است. (از این جهت در این قانون استیفات
 محاکم نظایر دیگر قوانین مخصوصه در تمام مملکت برقرار
 خواهد شد

مجلس ملاحظه در این مورد در حدود ادارات و شش ضروریست
 مقررات قانون مگر نیز رایج است

و بواسطه عدم وجود محاکم واقعی احکام و تقاضای هیات محلی و ابائی
 و محلی را جبر خواهد شد داشت که آنها مطابق با قانون باشد
 در خصوص صورت الیه

اسم قسم مایات برقرار نمیشد مگر کلمه قانون در مایات
 مواردی که از دادن مایات معاف تر اند شد قانون
 مشخص خواهد شد

میزان مایات را همه ساله مجلس شورای ملی با کثرت آراء
 تصویب معین خواهد نمود

در موارد مایاتی که در اختیار کمیته ای میباشند از دولت گذارده خواهد شد
 تخفیف و معافیت از مایات متوسط بقانون مخصوص است

غیر از موافقی که قانون مقرر است مستثنای سیدار و هیچ عنوان از آن
 چیزی مطایر نمیشد مگر بسم مایات مملکتی و ابائی و دولتی

جنبش و نظایر آن مایاتی که نیز در دست ممالک مملکتی مگر در مایات
 اعضا، دستری است را همه شورای ملی برابر مگر بموجب قانون

مقرر میگردند همین خواهد شد

این دفتر کما است امور بسیار و تفکیک کما است اداره مایه و
 و تقوین حساب گیر مایات است و خزانه است و حضور مایات
 هیچ یک از حقوقات کما است میگردند در بودجه از میزان متوجه
 بر تجاوز نموده تغییر دهنده میگردند و هر چه در مملکت مملکت

و همچنین معاینه و تکلیف محاسبین طبقه ادارات دولتی را نیز
اداری سند حسابات را جمع آورده و در آنجا که صورت گیرد
حسابات ملک را باید با نظام ملاحظاتی محاسبین
شماره ملی نماید

ترتیب و تنظیم اداره این قسمت بر مبنای قانون است

در خصوص انجمنهای ایالتی

- در تمام ممالک عمده انجمنهای ایالتی و ولایتی بر مبنای نظام مذکور
میشود و قوانین اساسی آن انجمنها از این قرار است و آنها می
(۱) اعضاء انجمنهای ایالتی و ولایتی باید از طبقه اربابان
انتخاب شده باشند مطابق انجمنهای ایالتی و ولایتی
(۲) انجمنهای ایالتی اختیار نظارت بر امور و اسباب را خواهد داشت
بر مباحث عامه و از آنجا که با رعایت حدود و قوانین مقرر در این باب است
(۳) مندرج در ضوابط دولت از هر قسم تسلسل توسط انجمنهای
ایالتی ملی و غیره

فنون

- (۱) ترتیب گرفتن فنون را قانون معین نماید که تعریف
و حقوق این نظام و ترقی در تمام ممالک ایران است
(۲) مخارج نظامی هر سال در از طرف مجلس شورای قانونگذاری
(۳) اسیب فنون نظامی خارج کشور که است و است قهر فنون
و در نقد از نظام مملکت نیز باید اقامت و با عیب کننده مکرر
(۴) حقوق و مناسبت و شئون است این نظام را تعیین کند که بر مبنای

کلیات

- (۱) ایران بر مبنای قانون اساسی و عدلیت و ترقی و پیشرفت است
(۲) پایتخت دولت ایران طهران است
(۳) اتباع خارجی معین خاک ایران باید و باید در آن
مورد موارد دیگر قانون است
(۴) اساس شریعت مجریه او که در تعریف بر مبنای
مختلف نظر در مواد اساسی

الخ بر توانی افزوده اند که باید المرعی قبولی نماید هر دو محقق
 بقرار عهد و ثنا پیش از شروع در مقصود لازم است سؤال و جوابی سؤال تا فرج عبارات است
 از قرار داد که مختلفه آن روانیت با اینکه قوانین مذکور در این نظامنامه بسیار
 الزام است بفعلی یا ترک امر جائز و ایجاب محو قرار داد و موافق به وای نسبت به شرع است
 اگر چه از جهت بدعت در تشریح حرمت ندارد مانند الزام خودییل طرف در بیامانت
 به صرف میل یا بداعت آن بدوای بقی شارع مکن نفی الزام غیر بر عباد است
 واجب و ترک حرام جایز نیست شرعاً و مقرر بحسب اقتضای عدل و استقامت است
 علماء در این باب در تخطی اعلی حضرت علیهم السلام تا فرج مجلس مخالف با شرع است
 بنامه جواب قرار داد مخصوصی با اجماع و وسیله و وصی و اسان ایها در
 نوار در مادام که متعلق بفعلی حرام یا ترک واجب بنامه و قوانین آئین الزام است
 ما در این حالت است و مجانفت هم بر مخالف است با قرار داد و اجازت خصوصی
 که بلا فطن مصلحتی نزع بر سر و حفظ حقوق ملت است و اما قوانین جاریه بر نوع
 ملت لابد بوضع است با الزام بر فعل واجب یا ترک حرام بالذات یا بالعرفی

در تقسیم مملکت ایران الخ

در متحدین و ضائف حکام شرع

بیان احکام شرعی در جمیع ابواب فقهیه و غیره اعطاء در جبهه زکوة و خمس
 و سایر حقوق شرعیه دادن در تجبیز مواته که در لی نوار در مراجع در حقوقات و اجراء
 حدود و تقوا و غیره سایر امور از ذمه در امامان است و در آجاف

عامة واقفا و صباير بلا و غير مستورا و افذارش من لا و وارث له و امثالها انما با علمای
اعلام است بموازین کلمه حقوق میدانند

معدایه فقره اول چون در همه جا کاسر بودن لیاقت تصرف حقوق و منشأ نزاع و گفتگو و موجب
توجه که مسئله حلیم است در برابر این چنین تفهیم خواهد یافت از علمای نافذ الحکم در مواضع
و در غیر این جا حکم مستقیم است لکن از آن شرع و صدر است

در مرکز ایالت این چنین عقد حقوق و از افراد و اطراف رجوع با هم بخوبی است لکن
بر این وضع ایها التمام است این عدله از اعیان و درجه کادر المعقده باید جزئی است و همه باشد

ص مد کوی از علماء که عدله این را خواهد بود که حقوق و فاسد عقیده خواهد بود و با کوه ارتفاع حقوق
نزد این چنین با علماء لکن فایز را بر این قرار بود هر چه قاطع گفتگو شد باید مقرر است حقوق

در هر جا که گفتار علمای در این باره است بگذرند و معاطد مسئله که مستحکم در عقیده
و بینه بسیار است که معنی را مشتری که صد حرف و صنایع و در فتنه حقوق بین الملل

که عدله قوام حفظ مملکت اسلام است تا دین و دنیا را یکی نگاه دارند هر دو نظم و محفوظ باشد
بقیمن استانی بر صفت و کسب مرکز و جامع آنها در برابر این چنین اثر است

بر این نامه و قانون که همسفر را با سایر ندهن در شایعه آن دارد با چنین علمای را نه نامه
که از خبر شریعی قاطع طرح و گفتگو است و منشأ نماید و آنچه نظر نه دارد و قابل گفت است

در حقوق ملت ایران